



16 می 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

شهرکابل شاهد رویدادهای مهم از روز چهارم تا هشتم ثور سال 1357ش (از 24 تا 28 اپریل 1978م)

بخش ششم

چرا نیروهای دفاع از رژیم جمهوری ناکام شدند؟

طوریکه در آغاز بخش سوم گفته شد، رویدادها در روز هفتم و هشتم ثور از دو جانب قابل بحث میباشند: یکی اقدامات کودتاچیان که چگونه به هدف فایق آمدند و دیگر دفاع قوتهای نظامی داخل و خارج ارگ که چرا و چگونه به ناکامی گرائید و بالاخره به سقوط رژیم منجر شد. موضوع اول یعنی جریان عملیات نظامی کودتاچیان در بخش های قبلی مورد بحث قرار گرفت و موضوع دوم اقدامات دفاعی رژیم - تاجائیکه معلومات در دست است، در این بخش بررسی میگردد.

نیروهای دفاع از رژیم را میتوان در دو کتگوری تقسیم کرد: یکی نیروها در داخل ارگ جمهوری و دیگر نیروهای بیرون از ارگ شامل قطعات نظامی در کابل و سائر نقاط کشور.

اول: نگاهی به مدافعه قطعه گارد جمهوری:

این قطعه حین رویداد کودتای ثور برطبق معلومات جگتورن تاجیار: جمعاً دارای 1600 نفر (صاحب منصبان، خورد ضابطان و افراد) شامل یک "غند" که تشکیل آن قرار ذیل بود:

1 - گروپ سوق و اداره: عبارت بودند از: - قوماندان قطعه جگرن صاحب جان؛ آمر اوپراسیون و معاون قطعه جگتورن فضل الرحمن تاجیار (معاونین اوپراسیون هریک: جگرن سید جان، تورن عزت الله ظاهر و تورن حمیدالله آمر سپورت)؛ آمر کتشف جگتورن عبدالحق علموی؛ آمر مخابره جگتورن آقا محمد و قوماندان تولى تورن عبدالفتاح؛ بلوک انضباط - قوماندان بلوک جگتورن فضل احمد؛ بلوک اطفائیه - قوماندان بلوک تورن خواجه عبدالمجید (ضابط بلوک اطفائیه - بریدمن بیرک).

2 - گروپ اکمال: آمرلوژستیک جگرن عبدالغفور؛ آمر تخنیک جگرن ذاکرخان؛ آمر صحیه جگتورن داکتر لالا جان، مدیر پیژند جگرن عبدالرحیم شادان؛ تولى موزیک جگتورن عبدالسمیع ابوی؛ تولى نقلیه دوهم تورن عبدالحفیظ.

3 - کندک های پیاده: کندک اول قومامدان دگرمن محمد سرور؛ تولى اول پیاده قوماندان عزیز حساس؛ تولى دوم پیاده قوماندان تورن غلام نبی؛ تولى سوم پیاده قوماندان تورن محمداکبر؛ بلوک ماشیندار ثقیل قوماندان بلوک تورن ضیاءالدین.

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

کندک دوم پیاده: قوماندان کندک جگرن محمد عزیز؛ تولى اول پیاده قوماندان تورن محمد صدیق؛ تولى دوم پیاده قوماندان جگتورن محمد ظاهر؛ تولى سوم پیاده قوماندان جگتورن محمد نادر؛ بلوک ماشیندار ثقیل قوماندان بلوک زلمی.

4 - جزوتام حمایه: تولى ماشیندار دافع هوا قوماندان تولى جگتورن دایان.

در اینجا قابل تذکر است که جنرال نبی عظیمی در کتاب "اردو و سیاست" از دو نفر نام می برد: یکی تورن اسدالله پیام آمر مخابره گارد جمهوری و دیگر جگرن گل آقا آمر اوپراسیون گارد جمهوری که هر دو در لست تاجیار شامل نیستند، زیرا این دونفر قبل از کودتای ثور از بست گارد جمهوری به جای دیگر تبدیل شده بودند. تا جائیکه اطلاع در دست است، جگرن گل آقا (مشهور به قولته) از جمله پرچمی ها و دوست ضیاء مجید قوماندان قبلی گارد جمهوری بود که تا سال 1355ش به حیث آمر اوپراسیون گارد ایفای وظیفه میکرد و بعداً بجای دیگر در مربوطات وزارت دفاع مقرر گردید و بجایش جگرن خان محمد جهانگیری که شخص نزدیک به رسولى وزیر دفاع بود، به این وظیفه گماشته شد، اما پس از مدت کوتاه موصوف به حیث قوماندان تولى انضباط شهری در بست وزارت دفاع تعیین شد و بجایش جگتورن فضل الرحمان تاجیار که تازه بعد از اکمال تحصیل در رشته کوماندو از مصر برگشته بود، در اواسط سال 1356 به حیث آمر اوپراسیون گارد مقرر گردید.

رخنه خلقی ها و پرچمی ها در داخل تشکیلات گارد جمهوری:

جگتورن فضل الرحمن تاجیار در مقاله مستند برچشم دید خود از رویدادهای آن شب و روز مصیبت بار درباره نفوذ عناصر خلقی و پرچمی در گارد جمهوری چنین می نویسد: «در بین این صاحب منصبان عده از منسوبین سرسخت احزاب خلق و پرچم وجود داشت که حتی در بین آنها احتمالاً گماشتگان ک.ج.ب هم موجود بودند؛ مثلاً قوماندان گارد جمهوری (ضیاء مجید) و یا آمر کشف جگتورن عبدالحق علومى، جگرن سیدجان و تورن محمد عزیز حساس از کمونیست های شناخته شده بودند و بعضی دیگر که یا اصلاً در خدمت گروپ های خلق و پرچم قرار داشتند و یا به اشخاص سرشناس آنها ارتباط نزدیک داشتند، جزء مؤظفین در گارد بودند. بعد از مدتی شخص رئیس جمهور و وزیر دفاع ملی در موجودیت همچو اشخاص در قطعه گارد در تردد قرار گرفتند و تا اندازه متوجه مقاصد آنها شدند بودند. به همین رابطه ضیاء مجید را از [قوماندانی] گارد تبدیل و در عوض آن صاحب جان را که به کدام جناحی ارتباط نداشت، تعیین نمودند. ولی باز هم قوماندان جدید گارد صاحب جان که ظاهراً خوش خدمت و وظیفه شناس به نظر میرسید، از طرف دیگر رابطه نزدیک با یک عضو مهم گروه خلق (جگرن شیرجان مزدوریار) داشت که این رابطه ممکن جنبه شخصی داشته باشد. بهرحال وجود همچو اشخاص در عدم مقاومت مؤثر و دفاع از ریاست جمهوری بی تأثیر نبود.»

جگرن عبدالرحیم شادان [برادر کریم شادان یکی از پرچمی های پرقدرت بعد از کودتای ثور رئیس محکمه انقلابی و قاضی القضاات و برادر دیگرش عبدالله شادان کارمند رادیو تلویزیون] که در آنوقت به حیث مدیر پیژند گارد ایفای وظیفه میکرد، طی یک نامه عنوانی داکتر سیاه سنگ که در کتاب "و آن گلوله باران..." به نشر رسیده است، ضمن آنکه ادعای عبدالحمید مبارز که او را در کتاب "تحلیل واقعات سیاسی افغانستان" خود متهم به سبوتاز علیه رژیم جمهوری حین انتقال یک لاری به قصر گلخانه ساخته بود، شرحی دارد از اینقرار:

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

«اینجانب عبدالرحیم شادان در آن زمان در سمت آمر کدر و پرسینول (مدیریت پیژند) گارد ریاست جمهوری ایفای وظیفه می‌کردم. محمد داؤد مرا شخصاً می‌شناخت. در همه سفرهای رسمی به کشورهای عربی، یوگوسلاویا، هند، پاکستان و ایران مرا به حیث سرگروپ امنیتی خویش گماشته بود. وجدانم هرگز اجازه نمیداد که در برابر آنهمه حسن اعتماد به چنین عمل ناجوانمردانه که مبارز از معده خود افراز کرده است، دست بزنم. به حیث شاهد عینی واقعیت را بطور خلاصه توضیح میدهم: فقید صاحب جان قوماندان گارد حوالی ساعت دو (پس از نیمه شب 28 اپریل - 8 ثور) امر داد که یک عراده لاری با پرسینول مجهز با راکت اندازهای خفیف در کناره های آن آماده شود. لاری در مقابل ارگ و درجوار مگژین (سلاح کوت اسلحه سابقه) آماده گردید. تدابیری برای جادادن یک موتر بنز در داخل آن هم مدنظر گرفته شد که اگر سردار محمد داؤد بپذیرد، از دروازه شمالی ارگ که به قصر دلکشا و قصر نمبر یک متصل میشد و راه مطمئنی به سفارت فرانسه بود، به آنجا یا هر محل دیگری که خود اراده کند، برود. قوماندان گارد نزد سردار محمد داؤد رفت و از آماده بودن لاری راپور داد. دراین جریان دگرمن سیدجان معاون آمریت اوپراسیون گارد (بعداً تورن جنرال در قوماندانی اعلاى قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان)، عبدالحق علومی آمر کشف گارد ریاست جمهوری) بعداً تورن جنرال و مسئول شعبه عدل و دفاع کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان) و جگتورن آقا محمد در برابر رئیس جمهور حضور داشتند. سردار محمد داؤد راپور صاحب جان را شنید، اما پیشنهادش را نپذیرفت و قاطعانه گفت: "من در ارگ می مانم."» (برگرفته از مکتوب شادان عنوانی سیاه سنگ: و آن گلوله باران... صفحه 196 و 197)

او در ادامه می‌افزاید: «حوالی ساعت چهار صبح هشتم ثور سردار محمد داؤد، صاحب جان، سیدجان و عبدالحق علومی را احضار کرد و با توجه به نرسیدن کمک سایر قطعات به ارگ و بیهودگی مقاومت چنین هدایت داد: "نمیخواهم جوانان تلف شوند. برای اینکه جوانان بیشتر از این تلف نشوند، گارد را تسلیم دهید. من تسلیم نمیشوم...!" به اساس همین دستور بیرق سفید برفراز قرارگاه گارد ریاست جمهوری برافراشته شد و گارد تسلیم گردید.» (صفحه 198)

عبدالرحیم شادان طی نامه خود بجواب داکتر سیاه سنگ دذباره منسوبیت خود به پرچم می‌نویسد: «پیش از سال 1357 با جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق در تماس بودم، زیرا یک عده افسران گارد ریاست جمهوری وابسته به جناح پرچم بودند و من در اجرای امور با آنها رابطه نزدیک داشتم. بعد از کودتای ثور از طرف هر دو جناح پرچم و خلق به عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان دعوت شدم. برای من جناحها مطرح نبود، زیرا بعد از کنفرانس وحدت مورخ 12 سرطان 1356 (3 جولای 1977) حزب بنام حزب واحد ج.د.خ.ا. یاد می‌شد. روی این اصل در سال 1357 از طرف سازمان اولیه حزبی گارد به عضویت آزمایشی و در 1358 به عضویت اصلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پذیرفته شدم.» او در ادامه می‌نگارد: «پیش از کودتای ثور افسران وابسته به هر دو جناح در اردوی جمهوری موجود بودند. کدرهای جناح پرچم را شخص رئیس جمهور فقید، صاحب جان و قسماً رهبری وزارت دفاع می‌شناختند. جناح خلق را شادروان[؟] عبدالحق علومی آمر کشف گارد، افسران پرچمی و اینجانب (عبدالرحیم شادان) که در آن زمان آمر کدر و پرسونل گارد بودم، می‌شناختم. بعد از 1354 (1975) اولین ضربه رهبری ریاست جمهوری و وزارت دفاع به افسران جناح پرچم وارد شد. در مرحله نخست محترم ضیاء مجید قوماندان گارد جمهوری به حیث آتشه نظامی در هند مقرر گردید. درسالهای 1355 و 1356 هژده تن از افسران جناح پرچم که اکثریت

شان کدرهای برجسته حزب بودند و ده تن از افسران جناح خلق از گارد به قطعات مرکز و ولایات (وزارت دفاع) تبدیل گردیدند. البته با آنهم تعدادی دیگری از افسران هر دو جناح تا زمان کودتای ثور در بست جزو تاهای گارد جمهوری جذب گردیده و برجا مانده بودند.» (صفحه 200 و 201)

شادان می نویسد: «از جمله 22 نفر (جناح پرچم) که اکثریت شان کدرهای حزب بودند و بعد از کودتای ثور در مقامات عالیله حزبی و دولتی مقرر شدند، برجسته ترین آنها آتیا معرفی میگردد: [قابل ذکر میدانم که برای حفظ امانتداری اقتباس، نخواستم پیشوند نامها را تغییر دهم]

– محترم ضیاء مجید قوماندان گارد/ آتیشه نظامی در هند/ مدیر روابط بین المللی وزارت دفاع.
– مرحوم محترم دگرمن گل اقا خان آمر اوپراسیون گارد جمهوری/ بعد از کودتای ثور ارتقا الی رتبه برید جنرال/ قوماندان فرقه 17 هرات/ رئیس عمومی امور سیاسی وزارت دفاع ملی و معاون صدر هیئت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان.

– دگرمن سیدجان معاون آمریت اوپراسیون گارد/ بعد از کودتای ثور ارتقا الی رتبه تورن جنرال/ مؤظف بخش اردو در سرقوماندانی قوای مسلح ج. د. ا.

– شادروان عبدالحق علمی آمر کشف گارد جمهوری/ بعد از کودتای ثور ارتقا الی رتبه تورن جنرال/ رئیس امنیت دولتی در قندهار، مسئول شعبه عدل و دفاع کمیته مرکزی حزب د.خ. ا.

– محمد عزیز حساس قوماندان تولی تشریفات گارد جمهوری/ بعد از کودتای ثور ارتقا الی رتبه دگرجنرال/ قوماندان گارد جمهوری، معاون قوماندانی حربی پوهنتون، رئیس اداره 10 وزارت امنیت دولتی.

– جگتورن سید حسن رشاد قوماندان کندک دوم گارد/ بعد از کودتای ثور ارتقا الی رتبه دگروال/ آمر امنیت ستر درستیز.

– دگرمن محمد نادرخان وردک قوماندان کندک تشریفات گارد جمهوری.

– جگرن دستگیرخان معاون آمریت مخابره گارد جمهوری.

– یک تعداد افسران پائین رتبه و خورد ضابطان که بعد از کودتای ثور وظایف بزرگ، با ارزش و خطیری را انجام دادند و به اخذ مدالها و نشانهای دولتی نایل گردیده اند.

تعداد افسران جناح خلق به 14 نفر میرسید [شادان نام و وظیفه آنها را در گارد ذکر نمیکند]. آنها هم به نوبه خود بعد از کودتای ثور وظایف بزرگ نظامی را در گارد خلق و قطعات قوای مسلح انجام داده اند.» (صفحه 202 و 203)

شادان در مورد رویدادهای روز 7 ثور و تدارکات در گارد جمهوری در داخل ارگ بطور خلاصه می نویسد: «پنجشنبه هفتم ثور 1357 به اساس هدایت وزارت دفاع در همه قطعات و گارنیزونهای مرکز و ولایات به مناسبت گرفتاری و به زندان انداختن رهبران حزب دموکراتیک خلق جشن شادی و سرور برگزار گردیده بود. همه قطعات به شمول جزو تاهای گارد بعد از ساعت 9 قبل از ظهر سرگرم جشن و شادی بودند. ساعت 11 بجه قبل از ظهر وزارت دفاع به همه قطعات مخصوصاً گارد جمهوری امر داد که از ریاست جمهوری، گارد و ارگ دفاع کنند، زیرا تانکها، ماشین های محاروبی و زره پوشهای قوای 15 و 4 زره دار از وضع الجیش دایمی برآمده و به سوی شهر در حرکت اند. فقید صاحب جان با دریافت فرمان وزارت دفاع، حالت اضطرار را اعلان کرد و امر داد که همه جزو تاهای گارد برای دفاع از ارگ، ریاست جمهوری و گارد آماده گردند. جزو تاهای گارد با پرسپونل و سلاح داخل تشکیل که قبلاً به حالت احضارات درجه یک نظامی درآمده بودند، در

کمترین فرصت در میدان اجتماع جمع شده و از آنجا بصورت فوری بطرف مواضع دفاعی حرکت کردند. آنها پس از اشغال مواضع به دفاع پرداختند.

یادی از یک افسروزیفه شناس و جان فدا:

نام دگرمن محمد سرور قوماندان کندک اول پیاده گارد جمهوری که تا آخرین لحظه حیات خود در دفاع از ارگ و مقاومت علیه قوای کودتاجیان از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نکرد و از فعالیت های اوشاهدان عینی اعم از خلقی و پرچمی و غیر آن همه به نیکی یاد میکنند، یکی از کسانی بود که به مؤظفین و جزوتامها امر فیر داد تا تانکها و سایط کودتاجیان که در برابر دروازه شرقی ارگ اخذ موقع کرده و بطرف ارگ انداخت میگردند، زیر آتش راکت انداز های قرار دهند که در اثر آن تعداد از این وسایط حریق شد و تعداد دیگر از کار بازماند. تاجیار و نیز شادان هردو در گزارشات خود از شهامت و قهرمانی این افسر دلیر یاد کرده اند، چنانکه شادان می نویسد: «در همان لحظات اول هنگامیکه تانک شماره 815 قوای پانزده زرهدار بر تعمیر وزارت دفاع و دروازه شرقی ارگ فیر کرد، شادروان سرور خان قوماندان کندک اول گارد جمهوری (مسئول دفاع جناح شرقی گارد و ارگ) به مؤظفین و قوماندان های جزوتامهای مربوط خود امر داد که تانکها و ماشین های محاربوی قوای 15 و 4 زرهدار را که به طرف گارد، ارگ، ریاست جمهوری یا وزارت دفاع ملی نزدیک شوند و فیر کنند، فوراً هدف راکت اندازها قرار دهید و نابود سازید... آنها ماشینهای محاربوی را که در مقابل قراول گارد، مقابل دروازه شرقی ارگ و مقابل دروازه سلامخانه (مربوط قطعه عمر شهید و قوای 4 زرهدار) بودند، با مرتبات شان از بین بردند و طعمه حریق گردانیدند.»

شادان علاوه میکند که: «در دوام روز هفتم ثور شهید دگرمن محمد سرور خان و یک عده افسران مجهز با سلاح در سرک مقابل گارد و ارگ داخل شده و 64 نفر پرسپونل تانک هایی را که توسط فیرهای پیهم راکت اندازهای گارد از کار بازمانده بودند یا جرئت حرکت بطرف ارگ و گارد را نداشتند، پیاده ساخته و تحت نظارت جدی حبس کردند. آنها تا ساعت شش صبح فردای آن روز [8 ثور] که گارد تسلیم میشد، همانجا ماندند.» (سیاه سنگ... صفحه 203 و 204)

و همین ها اولین گروپ نظامیانی بودند که پس از اعلام تسلیمی قوای گاردحوالی شش بجه صبح 8 ثور، اداره نظامی را در داخل ارگ بعهده گرفتند.

جکتورن تاجیار در مورد چگونگی شهادت دگرمن محمد سرورخان می نویسد: «حینیکه حوالی ساعات هفت بجه شام روز 7 ثور «رادیو کابل [افغانستان] کشته شدن داؤد خان و کامیابی حزب دموکراتیک خلق را اعلان میکرد، دفعتاً یک گروپ طیارات بالای حرم سرای بمباردمان کردند و حرم سرای آتش گرفت. من نمیدانم که قوماندان گارد در کجا بود. او برای من تلیفون کرد که باید برای تخلیه حرم سرای اقدام نمایم و هم طیارات بالای قصر گلخانه بمبارد خود را ادامه میدادند. درین اثنا دگرمن محمد سرور خان قوماندان کندک اول شدیداً زخمی گردید. از موضوع به من راپور دادند، من فوراً موتر قوماندان گارد را مؤظف نمودم که او را به شفاخانه چهار صد بستر انتقال دهند. قبل از اعزام به شفاخانه وقتیکه سرور خان را درحالت وخیم دیدم، برایم گفت: "آمر صاحب د خپل خان احتیاط وکره، دا کمونستان ما او تا نه پریردی." و با این گفته از گپ زدن ماند. بعداً معلوم شد که در راه [شفاخانه] به حق رسیده بود. وی یک صاحب منصب نهایت شجاع و وطن دوست بود و روانش شاد باد.» (مقاله تاجیار ... صفحه 6)

فعالیت های تخریب خلقی ها و پرچمی ها در داخل ارگ:

عبدالرحیم شادان در نامه خود عنوانی سیاه سنگ در باره موقف منسوبین خلق و پرچم در گارد جمهوری به نکته عجیب و قابل توجه اشاره میکند و می نویسد: «از آنجائیکه دستور کودتای نظامی از طرف جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان صادر نگردیده بود، افسران جناح پرچم تا ساعت 7 شام، نسبت عدم موجودیت ارتباط از چگونگی موضوع اطلاع نداشتند، زیرا همه ارتباطات تلفونی در گارد و ریاست جمهوری قطع گردیده بودند. آنها به دستگیر خان معاون آمریت مخابره وظیفه دادند تا از گارد خارج شده و بعد از کسب اطلاعات کامل دوباره برگردد. دستگیر خان با قبول هرگونه خطر از طریق آبراه زیر دیوار ارگ بیرون شد. او پس از بدست آوردن معلومات ساعت 7 شام برگشت و افسران جناح پرچم را از کودتای بخش نظامی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مطلع ساخت. بعداً افسران جناح پرچم در جهت تقویت بخش نظامی حزب قرار گرفتند. همچنان قوماندانان جزو تام هایی که اکثر مربوط به هردو جناح حزب بودند، دست از دفاع کشیدند و به نفع حزب به فعالیت آغاز کردند.» (سیاه سنگ... صفحه 205)

عجب آنست وقتی شخصی اعتراف میکند که: «برای من جناحها مطرح نبود، زیرا بعد از کنفرانس وحدت مورخ 12 سرطان 1356 (3 جولای 1977) حزب بنام حزب واحد ح.د.خ.ا. یاد می شد»، باز هم در روز آغاز کودتا تا شام ساعت 7 بجه هنوز هم پرچمی های گارد یا نمیدانستند که کودتا از طرف کدام حزب صورت گرفته و یا اینکه به وحدت حزب که ده ما قبل صورت گرفته بود و حتی در روز کودتا که سرنوشت مشترک خلق و پرچم در میان بود، هنوز هم خود را بی اطلاع از موضوع جلوه داده و هنوز هم به طرفداری از رژیم جمهوری به مقابل کودتاچیان داخل عمل بودند. این نوع استدلال مایه تعجب است، زیرا از همان ساعات اول کودتا همه در گارد میدانستند که کودتا بوسیله افسران حزب وحدت دموکراتیک خلق یعنی به طور مشترک خلقی و پرچمی صورت گرفته است.

بهر حال اگر از ادعای فوق بگذریم، رحیم شادان در ادامه فعالیت های گارد می افزاید: «بعد از ساعت 6 شام [7 ثور] طیارات قوای هوایی بر فراز گارد ریاست جمهوری رسیدند و مواضع جزو تامها مخصوصاً تولى دافع هوا واقع در جوار برج ساعت باغ دلکشا و قسمتهای دیوار جنوبی ارگ را تحت آتش قرار دادند. در اثر آتش ماشیندارهای طیارات، بریدمن سلطان احمد چوپان در باغ دلکشا (مربوط تولى دافع هوا) به شهادت رسید. پس از ساعت 7 شام طیارات بم افکن بر همه مناطق گارد، ارگ و باغ دلکشا انداخت بمها را آغاز کردند. در نتیجه بعضاً دیپو ها در داخل ارگ آتش گرفتند و به خاکستر مبدل شدند. از چهارراهی های آریانا، پشتونستان و هتل کابل بر تعمیر گارد و ارگ فیرهای متعدد و پیاپی تانکهای قوای 15 زره دار صورت میگرفت. در اثر همین فیرها نیم بدنه تعمیر شفاخانه گارد در جوار "دافغانستان بانک" از بین رفت.»

شادان اعتراف میکند که: «بعد از ساعت 8 شام جناح خلق حزب دموکراتیک خلق افغانستان به نام اینکه قطعات معترض داخل باغ دلکشا شده و میخواهند از آن طریق به ارگ و گارد داخل شوند، دگرمن محمد سرور خان قوماندان برجسته و فعال کندک اول گارد را به گوش یی برده و به شهادت رسانیدند، زیرا او با جزو تامهای مربوطه اش از جناح شرقی گارد و ریاست جمهوری سرسختانه دفاع میکرد. پس از ساعت ده شب به دستور حزب تبلیغات مؤثری راه انداخته شد که اگر گارد جمهوری

تسلیم نگردد، هدایت داده شده که بمهای 500 کیلوگرامی برگارد و ریاست جمهوری پرتاب شوند تا همه با خاک یکسان گردند.»

شادان می افزاید: «ساعت چهار صبح 8 ثور سردار محمد داؤد، صاحب جان قوماندان گارد، سیدجان معاون اوپراسیون گارد و عبدالحق علومی آمر کشف گارد را احضار کرد و با توجه به نرسیدن کمک سایر قطعات به ارگ و بیهودگی مقاومت چنین گفت: "نمیخواهم جوانان تلف شوند. برای اینکه جوانان بیشتر تلف نشوند، گارد را تسلیم دهید. من تسلیم نمی‌شوم...". به تاسی از هدایت رئیس جمهور و امر قوماندان گارد، بعد از ساعت چهار صبح بیرق سفید بر فراز برج ساعت دروازه شرقی ارگ برافراشته و تدابیر تسلیمی گرفته شد.» (برگرفته از نامه عبدالرحیم شادان عنوانی سیاه سنگ... صفحه 206 و 207)

جکتورن تاجیار آمر اوپراسیون گارد در مقاله خود راجع به فعالیت های تخریبی آمر مخابره گارد که از دوستان نزدیک و صمیمی صاحب جان قوماندان گارد بود، می نویسد که: «آمر مخابره گارد آقامحمد خان در فلج نمودن سیستم مخابره گارد جمهوری با خارج نمودن بطریهای وسایط بی سیم با جمعه خان لمری بریدمن مخابره سهم فعال داشت و هر دوی شان از جمله خلقی های سرسخت بودند.»

تاجیار جریان قتل محمد عمر و دگرمن محمد سرور خان و دو نفر پهره داران قصر گلخانه که توسط ضابط اطفائیه ببرک به هدایت و همکاری خواجه عبدالمجید آمر اطفائیه گارد صورت گرفت، می نویسد: «حوالی نصف شب که من به دروازه شرقی ارگ بودم، صاحب جان قوماندان گارد برایم تلیفون کرد که یک عراده موتر لاری به قصر گلخانه بفرستم، زیرا قرار بود رئیس صاحب جمهور از گلخانه خارج شود. در این وقت یکی از پسران [داؤد خان] میخواست که از دروازه قصر خارج شود، ولی توسط کمونیست ها مورد اصابت گلوله قرار داده شد و در عین زمان دو نفر محافظین دروازه قصر نیز مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. قراریکه درین اواخر همراه عزیز حساس که بعداً به حیث قوماندان گارد ببرک کارمل انجام وظیفه میکرد و به رتبه دگرجنرالی ارتقا یافته بود، صحبت نمودم، نامبرده چنین قصه کرد: "در اثنائیکه عمرجان پسر داؤد خان میخواست از قصر گلخانه خارج شود، از طرف بریدمن ببرک ضابط بلوک اطفائیه به قتل رسانیده شد و نیز دو نفر پهره داران دروازه قصر گلخانه که مربوط تولی عزیز حساس بودند، زخمی شدند." بریدمن ببرک بعد از سقوط جمهوریت به حیث یاور تره کی بوده و در منازعه بین تره کی و حفیظ الله امین از طرف طرفداران امین گرفتار و به قتل رسید.... ازین معلوم میشود که در شهادت عمرجان پسر داؤد خان و دگرمن سرورخان و نیز دو نفر پهره داران قصر گلخانه، قوماندان بلوک اطفائیه تورن عبدالمجید و ضابط آن ببرک مستقیماً دست داشته اند.»

از آنجائیکه در آنوقت در گارد جمهوری چند نفر بنام عبدالمجید شامل خدمت بودند، لازم است مختصراً تصریح کرد که خواجه عبدالمجید از اهل کابل و مسکونه اصلی عاشقان و عارفان (ع) بوده و قرار مسموع او یکی از همصنفان ضیاء مجید قوماندان اسبق گارد جمهوری بود و بوسیله او در گارد در تولی اطفائیه توظیف شده بود. به گفته جکتورن تاجیار او عضویت حزب دموکراتیک خلق را نداشت و اما به حیث یک شخص "پله بین" در خدمت هرکسی قرار میگرفت که فکر میکرد برای آینده اش خوب است و موقف بسیار ضعیف و بی ثبات داشت.

بهرحال باید گفت که جریان حوادث در داخل ارگ و چگونگی قوای مدافع گارد بصورت پراکنده فقط از ورای گزارشهای منتشره فوقاً ارائه شد و بطور مختصر میتوان به این نتیجه رسید که قوای ارگ در مقاومت خود علیه کودتاچیان طی تقریباً 20 ساعت پر هیجان و اوضاع معلق فزیکي و روانی و با وجود تخریبات افسران وابسته به کودتا بطورکل وظیفه خویش را با کمال شهامت و صداقت انجام دادند، ولی حملات هوایی و حریق شدن بعضی دیپوها و نیز تهدید به انداختن بمب های بزرگ 500 کیلوئی از یکطرف و حمله اول بر قصر گلخانه حوالی نیمه شب 8/7 ثور و کشته و زخمی شدن تعدادی در آنجا به شمول زنان و کودکان خانواده رئیس جمهور ازطرف دیگر و از همه مهمتر نرسیدن هیچ قوه امدادی از قطعات بیرون ارگ، همه موجب گردید تا قدم بقدم روحیه مقاومت در داخل ارگ تضعیف شود و رئیس جمهور محمد داؤد هدایت دهد تا قوای گارد خود را تسلیم کودتاچیان کند و اما خودش از تسلیم شده به دشمن مردانه وار خودداری کرد.

در ادامه این بخش نگاهی به مقاومت ها و نیز پراگندگی وشکست های قطعات نظامی جمهوری می اندازیم که چگونه بوسیله قوای کودتاچی مضمحل گردیدند و نتوانستند رژیم جمهوری را به پا نگهدارند.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ